**جنگِ غزه و جامعه بین‌المللی**

**شباهنگ راد**

بیش از 8 هزار کشته، 150 هزار مجروح و 1 میلیون آواره برآیند جنگ چند هفته در غزه است. هرچند ماجرا فعلی، یعنی ستم و زورگویی به میلیون‌ها انسان دردمند فلسطینی از سوهای متفاوت [دولت‌های سرکوبگر و دسته‌های وابسته بدانان] موضوع تازه نیست و قدمت بیش از 7 دهه دارد. بهر حال خارج از اینکه [اینبار] کدام طرف، نخست ماشه را کشیده است، علل جنگ و تخریب خانه و کاشانه و تلف شدن هزاران نفر، ربط باواسطه به سیاست‌های اشغالگرانه دولت اسرائیل و نیز به پیشبرد جنگ‌های ارتجاعی و ناعادلانه در منطقه خاورمیانه دارد. از یک‌سو جنایات حماس [دست‌پرورده دولت اسرائیل] محکوم و به‌دوراز چشم‌ها نیست، و از سوی دیگر نزدیک به هشت دهه است ارگان‌های سرکوب اسرائیل به بهانه‌های واهی به سر بی‌دفاع‌ترین انسان‌ها ریخته‌اند و مرتکب آن‌چنان جنایاتی شده‌اند که گفتنی و یا نوشتنی نیست. از آن‌وقت تابه‌حال دولت‌مداران متفاوت اسرائیل حق زندگی در سرزمین‌های خودی را برای فلسطینی یان سلب کرده‌اند، به روی‌شان حصار کشیده‌اند، مانع کار و کسبشان شده‌اند، آیندهٔ جوانان و کودکان را به‌روز سیاه نشانده‌اند تا سهم خود [اشغال] را بیشتر کنند.

این سیما بسیار کلی از وضعیت توده‌های ستمدیده فلسطینی در اثر سیاست‌های قدرت‌مداران بین‌المللی و دولت جنایتکار اسرائیل است و متأسفانه این روزها ارگان‌های تبلیغاتی وابسته به نظام‌های سرمایه‌داری، پُر از پخش تخریب خانهٔ محروم‌ترین اقشار جامعه و دهشتناک‌تر از آن نمایش بدن‌های لت‌وپار و کشته شدن هزاران کودک در اثر بمباران‌های وحشیانه دولت اسرائیل به نوار غزه شده است. در تداوم دولت اسرائیل برق، آب و امکانات اولیه بیمارستان‌ها را به روی بیش از 2 میلیون انسان رنجدیده قطع کرده است تا بقول خویش حماس را سرکوب و نابود کند!

قرائن گویا است که عملاً کسی به فکر انسان‌های محاصره‌ شده در غزه نیست. همه [جامعه بین‌المللی (دولت‌های سرمایه‌داری)] به فکر سهم خواهی بیش‌ازپیش و شاخ‌وشانه کشیدن‌های بی‌مایه و آن‌هم در چهارچوب رقابت‌های امپریالیستی هستند. زیرا که خیلی پیش‌تر، راه‌اندازی جنگ و به‌موازات آن تخریب خانه‌ها و کشتار محرومان را در دستور کار روزانه‌شان قرار داده‌اند تا بر سهمِ سیاسی - اقتصادی‌شان اضافه کنند؛ در مقابل جامعه پائینی در ابعادی بی‌سابقه در تضاد با جامعه بالایی‌ها قرار گرفته ست. به خیابان آمدن میلیون‌ها انسان آزادیخواهِ سرتاسر جهان و متعاقباً محکوم کردن سیاست‌های امپریالیستی و دولت اسرائیل، جز تنفر و انزجار جامعه پائینی نسبت به اعمال شنیع قدرت‌مداران بزرگی همچون امریکا و آلمان به همراه دولت‌ وابسته اسرائیل نیست. مشهود است که هیچ گوشه‌ای از دنیای دست‌ساز قدرت‌مداران بین‌المللی امن نیست و به دنبال، افزودن بر شعله‌های جنگ‌های ارتجاعی، دنیا و منطقه خاورمیانه را با مخاطرات دهشتناک‌تری رودررو کرده است. با این اوصاف و برخلاف نظر قدرت‌مداران بین‌المللی و دولت‌های وابسته بدانان، می‌بایست جنگِ بین حماس [به‌عنوان آغازگر] با دولت اسرائیل را نه مسئله تازه بلکه در حوزه کلان‌تر، یعنی در حوزه پیشبرد سیاست‌های جنگی امپریالیست‌ها در منطقه توضیح داد. چراکه سناریو چنین جنگ‌هایی دهه‌های پیش تحت عنوان «برقراری نظم نوین جهانی و خاورمیانه بزرگ» نوشته‌شده است و بدون کمترین شبهه‌ای، حماس و دولت اسرائیل نه سناریونویس و طراح آن، بسا که بازیگران سیاست‌ها و جنگ‌های امپریالیستی در منطقه خاورمیانه بوده و هستند؛ نیز برخلاف تصورات و بعضاً نظرات، انجام آن به‌دوراز چشم و بدون توافق امپریالیست‌ها و یا بی‌توجه پیرامون تشدید جنگ [حمله حماس به اسراییل] نبوده‌اند.

به دیگر سخن لازم بود تا از شدت تنش سیاسی - جنگی بین روسیه و اوکراین [در حقیقت اتحادیه اروپا و امریکا] کاست. به این دلیل که جنگ سازمان داده‌شده در اوکراین، تابه‌حال نتایج مخرب خود را در عرصه سیاسی - اقتصادی سرتاسر دنیا و به‌ویژه در اروپا و امریکا بر جای گذاشته است؛ نیز لازم بود مسیر تبلیغاتی جنگِ روسیه و اوکراین را [بنابِ دلایلی] برگرداند و به منطقه‌ای دیگر همچون خاورمیانه منتقل کرد. درهرصورت نظر بر این است که تشدید جنگ و ناامن‌تر کردن بیش‌ازپیش منطقه خاورمیانه در چهارچوب توافقِ قدرت‌مداران بین‌المللی به‌منظور پیشگیری از تأثیرات مخرب‌تر سیاسی - اقتصادی و اجتماعی در کشورهای به‌اصطلاح متمدن [جامعه بین‌المللی] صورت گرفته است. مگر به‌غیراز این بوده و هست که حماس و دولت اسرائیل در توافق باهم بارها و بارها در چهارچوب سیاست‌های دیکته شده امپریالیستی جنگ را در غزه زنده نگه‌داشته‌اند و علیرغم مظلوم‌نمایی، سوار بر قطار واحد در منطقه خاورمیانه بوده و هستند؟ مگر به‌غیراز این بوده و هست که حماس ازجمله نیروی متعلق به جامعه بالایی‌ها است و ربطی به جامعه پائینی‌ها ندارد؟ بدین ترتیب حمله کنونی، منفعت چندگانه برای قدرت‌مداران بین‌المللی داشته و دارد. یعنی تغییر فضای جنگ بین روسیه و اوکراین [به‌منظور جلوگیری بیش‌ازپیش اقتصاد درهم‌ریخته کشورهای اروپا و امریکا]، یعنی تلاش پیش از پیش برای تغییر شکل منطقه خاورمیانه، یعنی طولانی‌تر کردن جنگ‌های ناعادلانه و نجات دولت بحران‌زده نتانیاهو، و خلاصه یعنی سدکردن جنبش‌های رادیکال و اعتراضی و تقویت نیروها و دسته‌های ارتجاعی همچون حماس به‌عنوان حامی جنبش فلسطین است. موضوعاتی که در دستور کار جامعه بین‌المللی [بالایی‌ها] بود و هست و بیهوده نیست امریکا، انگلیس و دیگر دولت‌های اروپایی از آن زمان تاکنون به حمایت از دولت اسرائیل برخاسته‌اند و کشتار وسیع و دردناک کودکان در غزه را به‌حساب دفاع دولت اسرائیل می‌گذارند!

به‌طور نمونه اولاف شولتس، صدراعظم آلمان گفت: «*اسرائیل یک کشور دموکراتیک است که بر اصول کاملاً بشردوستانه استوار است و بنابراین می‌توانیم مطمئن باشیم که ارتش اسرائیل در هر کاری که انجام می‌دهد به قوانین بین‌المللی احترام می‌گذارد. و من هیچ تردیدی در این موضوع ندارم*».

عجب حکایتی است و کشتار کودکان فلسطینی ازنظر شولتس، مطابق با اصول و قوانین بشردوستانه است؛ عجب حکایتی است و اشغال سرزمین‌های فلسطین و حصار کشیدن‌ها، نماد دولت‌های دموکراتیک و احترام گذاشتن به قوانین بین‌المللی است! وقاحت و قساوت در فرهنگِ جامعه بالایی‌ها حدومرزی ندارد و نیز بیشتر فهمیده شده است که نگاه جامعه بین‌المللی [دولت‌های امپریالیستی] در قبال جنایات ارتکابی دولت اسرائیل به میلیون‌ها زن و مرد، جوان و کودک و متعاقباً قطع آب، برق و امکانات اولیه پزشکی به روی مردم غزه، برابر با محترم شمردن به حقوق اولیه مردم مبتنی بر اصول بشردوستانه بین‌المللی است! بی‌علت نیست که دولت اسرائیل به هیچ صراطی مستقیم نیست و علیرغم محکومیت چندین‌باره از سوی سازمان‌های به‌اصطلاح مدافع حقوق بشر، سازمان ملل، اتحادیه عرب، و علیرغم اعتراض میلیون‌ها انسان آزادیخواه سرتاسر جهان، به سیاست‌های سرکوبگرانه خود پای می‌فشارد و با گستاخی اعلام می‌کند: "*هر زن و مرد، کودک و جوانِ مانده در غزه ازجمله هوادار حماس هستند و مستحق مجازات و مرگ‌اند*". یعنی نابودی بیش‌ازپیش مردم فلسطین، یعنی طولانی‌تر کردن و بی‌پایانی جنگ در سرزمین فلسطین. پیشاپیش ناوهای هواپیمابر و ارسال تسلیحات مدرن‌تر توسط قدرت‌مداران بین‌المللی همچون امریکا و نیز صف‌آرایی تازه‌تر جناح‌های رقیب امپریالیستی و دولت‌های وابسته بدانان در منطقه خاورمیانه ارسال و شکی نیست که آینده نامطلوب و شومی در انتظار میلیون‌ها توده دردمند است.

متأسفانه منطقه خاورمیانه بوی خون و شعله‌ورتر شدن بیش‌ازپیش جنگ‌های خانمان‌سوز می‌دهد و طبعاً این خواستِ میلیون‌ها انسان ستمدیده و فاقد پایین‌ترین امکانات زندگی و اولیه نیست. این جنگ مردم نیست. چراکه مشکل مردمِ جهان و بخصوص خاورمیانه در بی‌مدارایی وزندگی با دیگر رنگ‌ها و نژادها نیست؛ مرزها و رنگ‌ها و نژادها از منظر آنان بی‌مایه و فاقد ارزش‌های انسانی هستند. این نگاه اشغالگران و سرمایه‌داران برای سودآوری بی‌انتها است. مولد وضعیت کنونی نه مردم بلکه جانیان بشریت برای سهم‌بری بیشتر و برای کنار زدن جناح‌های رقیب از منابع و ثروت‌های طبیعیِ منطقه خاورمیانه است. قصد، فروش و استفاده سلاح‌های تازه‌تر و سدکردن اعتراضات احتمالی رادیکال علیه سیاست‌های امپریالیستی است. پیداست که مردم در چنین تنش‌های سیاسی - جنگی ذینفع نیستند. زیرا که [به‌زعم آنان] دنیا به‌اندازه کافی برای زندگیِ فارغ از تنش و جنگ و خونریزی و به‌ویژه تقسیم برابر ثروت‌های جامعه هست. ازاین‌رو جنگ غزه و جنگ‌های مشابه آن، جنگ طبقات ذینفع [جامعه بالایی‌] است و ربطی به جنگ طبقات فرودست [جامعه پائینی‌] ندارد. تابه‌حال و بیش‌ازاندازه مردم بارِ سیاست‌های سرکوبگرانه قدرت‌مداران بزرگ و دولت‌های وابسته بدانان را بدوش کشیده‌اند و خواهان تداوم سیاست‌های سرکوبگرانه و چپاولگرانه قدرت‌مداران بین‌المللی و دولت‌های اشغالگری همچون اسرائیل نیستند. خلاصه علاج وضعیت فعلی [در غزه] در انتخاب جانبِ شروع و یا ختم کننده آن نیست. چراکه هر دو سو جنایتکار و در راستا منفعت و خواست مردم نیستند. مردم قربانیان اصلی سیاست‌های دولت‌های امپریالیستی و دسته‌های وابسته بدانان هستند. روشن است که تغییر وضعیت ناهنجار کنونی در میدان و در صفی دیگر و با هدایت سازمان کمونیستی ممکن است. تنها در بستر چنین موقعیتی است که می‌شود ریلِ کنونی را برگرداند و جانیان بشریت را پس زد. چراکه نصیبِ مردم در هر جنگ ارتجاعی و ناعادلانه‌ای همچون غزه، جر آوارگی بیش‌ازپیش، تلف شدن جوانان و کودکان به‌عنوان آینده‌سازان جامعه نیست.

29 اکتبر 2023

7 آبان 1402